

قناعت، یکی از صف‌های بارز اخلاقی است که انسان را به قرب الهی می‌رساند؛ ابزاری که آدمی با آرایش خاطر و آسایش، مسیر زندگی را طی می‌کند تا به طریق کمال برسد. قناعت اثراتی دارد که یکی از بارزترین آنها، آرایش و آسایش است و انسان قانع می‌تواند فارغ البال به طی طریق بپردازد.

قناعت صفتی منموج و پسنیده‌است که سبب می‌شود انسان به آنچه در زندگی دنیا دارد، قانع باشد. انسان قانع با قلبی آرام برای تحصیل علم و جمع‌آوری توشه سفر اخروی به تلاش می‌پردازد و به آنچه دارد و روزی اوست، قناعت می‌کند.

مهم‌ترین موانع کمال انسان‌ها، دلبستگی و وابستگی به دنیاهاست. اگر این روش و افکار بر روح انسان چیره گردد، تمام ارزش‌ها و فضیلت‌های آدمی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. قناعت، یکی از مرکب‌های فضیلت‌انسانی است که آدمی را در مقابل فراز و نشیب‌های زندگی و سختی‌ها امن می‌دهد. انسان قانع، غنی است؛ زیرا به دانشه‌هایش راضی است و هیچ‌گاه از دیگران توقع کمک و مدد مالی ندارد. قناعت به انسان راه به عزت نفس می‌رساند و او را از طمع به مال مردم باز می‌دارد. مال، مال دوستی و مال اندوزی، راهزن طریق کمال انسانی است و انسان‌هایی که از ثروت خود به خوبی استفاده می‌کنند، اندکند.^(۱)

معصومین(ع) همواره انسان‌ها را از حرص، طمع و مال‌اندوزی برهیز داده و بر میانه‌روی، اعتدال و قناعت توصیه کرده‌اند. در روایتی از پیامبراکرم(ص) آمده است: «**دو آرزومند سیر نمی‌شوند: حریص در علم و حریص در مال**».^(۲)

حرص و طمع آدمی به ثروت اندوزی پایان ناپذیر است؛ چنانچه اگر آدمی سرزمینی از طلا داشته باشد، خوش دارد که سرزمین دومی نیز داشته باشد و اگر دومی را به او بدهند، سرزمین سوم را طلب می‌کند و شکم آدمی را جز خاک پر نمی‌کند. انسان حریص تا هنگامی که به خاک سپرده می‌شود، در آرزوی ثروت‌اندوزی است.^(۳) بنابراین باید راه میانه را جست و در آن گام برداشت؛ زیرا میانه‌روی و قناعت، سرشارترین گنج است.^(۴)

نیم تنگایی به سیره پیشوایان دینی و نیز علما و بزرگان که الگوهای شایسته در زندگی ما هستند، می‌تواند راهگشای ما در یافتن این راه میانه باشد. یکی از الگوهای نیک و شایسته جامعه کنونی در همه زمینه‌ها و بخصوص قناعت و زهد، حضرت امام‌خمینی(ره) است. بیان و بررسی برخی از جنبه‌های زهد در زندگی ایشان ما را در دستیابی به این گنج یاری می‌رساند.

جلوه‌های قناعت در زندگی حضرت امام(ره)

۱. ساده‌زیستی

یکی از موانعی که برای کمال انسانی بسیار خطرناک است، دنیاطلبی و ایدئوسیتی می‌باشد. اگر این حالت بر روح انسان حاکم شود، او را در مسیر کمال به چالش‌های سختی می‌کشاند. برای دور شدن از جلوه‌های فریبنده زندگی مادی، راهی بهتر و مهم‌تر از زهد و ساده زیستی نیست. انسان زاهد با بی‌برغبتی به دنیا مانند آزاده‌ای است که بی‌تکلف زندگی می‌کند، بدون تعلق راه زندگی را می‌یابد و برای رسیدن به کمال، آزاد و منقطع از

خویش را بشناسد و به اندازه کفاف پسندد، کندی فرصتی برای دست یافتن به امور معنوی می‌یابد و می‌تواند به تربیت و تزکیه نفس بپردازد.^(۵) پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «گاه باشد؛ بهترین مردم، بندهای است که در دنیا به اندازه کفاف اکتفا کنند».^(۶) حضرت امام خمینی(ره) صدقایی کامل در این زمینه بود که از مال دنیا به قدر نیازشان کفایت می‌کرد. بی‌نیازی از عوامل مادی برای ایشان ابزاری بود جهت سیر و سلوک معنوی و رسیدن به قرب پروردگار. ایشان همواره از فزون طلبی، تکاثر و زیاده خواهی دوری می‌کرد و به همین جهت به عالی‌ترین درجات زهد دست یافت. حجت‌الاسلام رحیمیان می‌گوید: «حضرت امام(ره) در طول مدتی

حرص و طمع آدمی به ثروت اندوزی پایان ناپذیر است؛ چنان که اگر آدمی سرزمینی از طلا داشته باشد، خوش دارد که سرزمین دومی نیز داشته باشد و اگر دومی را به او بدهند، سرزمین سوم را طلب می‌کند و شکم آدمی را جز خاک پر نمی‌کند. انسان حریص تا هنگامی که به خاک سپرده می‌شود، در آرزوی ثروت‌اندوزی است.

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

۶. حساسیت امام بر اسراف و اهمات به

صرفه‌جویی

غرق شدن در مادیات و روی آوردن به تجملات که به حق می‌توان آن را به نوعی بیماری مربوط به قرن اخیر نامید، از نمونه‌های بارز اسراف و از عوامل عمده آن به شمار می‌آید.

بسیاری از افراد اگر به اندازه نیاز خود مصرف نکنند، جایی برای کمبود و فقر در جامعه باقی نمی‌ماند.

با کمی دقت در این مورد متوجه می‌شویم بسیاری از چیزهایی را که مصرف می‌کنیم و یا به داشتن آنها تمایل داریم، غیرضروری هستند و نبود آنها هیچ مشکلی را در زندگی ایجاد نمی‌کند. بدون اسراف هم می‌توان زندگی سالم و درستی داشت؛ به شرط آنکه ساده زیستن را بر هر چیزی ترجیح دهیم؛ همچنان‌که امام(ره) نمونه بارز و مجسم آن در تمام طول زندگی پرپراب خویش بود.

حساسیت‌های امام به اسراف نیز از دیگر جنبه‌های وجودی ایشان نسبت به برهیز از رفاه بود؛ زیرا اسراف یکی از روش‌های ضد اخلاقی است که مخالف قناعت می‌باشد.



یکی از باران امام(ره) نیز می‌گوید: «حضرت امام، زمانی که در بیمارستان قلب بستری بود… منزلی برایش تهیه شده بود که بسیار معمولی بود؛ مدتی که گذشت، امام فرمود: «این منزل مناسب من نیست، من باید از این‌جا بروم. بروید منزلی مثل خانه پدر (خشت و گلی) برام پیدا کنید و الا به‌کم می‌روم». تنها اشکال آن منزل این بود که ظاهرش سنگ شده بود».^(۱)

۵. دوری از تجملات

برخی اسان‌ها خوشبختی را در تجملات و زر و بسرق فراوان می‌بینند. این افراد در واقع اسیر اداره این گونه زندگی‌های سنگین و پر خرج می‌شوند و به جای اینکه زندگی و زیبایی معنوی‌اش، برایشان وسیله سعادت اخروی و دنیوی باشد، خود را به سختی و اشکال و دشواری می‌اندازند. امام خمینی(ره) انسان کامل و وارستگی‌ای بود که با وجودی که می‌توانست بهترین امکانات و وسایل و لوازم معیشت را داشته باشد، اما به دنبال دنیا و دنیاطلبی نرفت؛ بلکه از مادیگری رویگردان بود و همواره از تجملات دوری می‌جست؛ اگر چه از شهرت و قدرت کافی برخوردار بود، اما هرگز آن را پایی برای دست یافتن به دنیا قرار نداد.

ایشان زیبایی را دوست داشت، اما نه زیبایی مادی و ظاهری؛ بلکه زیبایی‌ای را دوست داشت که جلوه گر زیبایی حق باشد؛ از این رو تجمل و تجملات را که سنگلاخ‌های معنویت و دست و پاگیر هستند، رها کرده بود.

در سخنی از پیامبراکرم(ص) نیز می‌خوانیم:

«گاه که می‌فرماید: **«گاه باشد؛ بهترین مردم، بندهای است که در دنیا به اندازه کفاف اکتفا کند.**»

است. یا آن را خاموش کنید یا اینکه کلید آن را خورده، از غدا می‌چرب و نرم همواره برهیز کرد و از خوراک‌های مغوی دوری جست… و رفت و آمدها پیاده حرکت می‌کرد و علی‌رغم اصرار و فشار همه‌جانبه دوستان و ارادتمندان در نجف، از گرفتن اتومبیل و رفت و آمد ماشینی وارد مطبخ و انصاری و همین چند دیگر هم در حیاط بودند. حضرت امام تا نزدیکی در حسینیه رفت و به یکباره به اتاقش نگاه انداخت و دید که لامپ اتاق روشن است. از

دم در حسینیه برگشت، به سمت اتاقش رفت، لامپ را خاموش کرد و دوباره به سمت حسینیه به راه افتاد».^(۲)

عسلی جعفری می‌گوید: حضرت امام در طول شبانه‌روز هر چند ساعت یکبار قرص می‌خورد، ما لیوان را پر از آب می‌کردیم و به ایشان می‌دادیم تا آنها هیچ مشکلی را در زندگی ایجاد نمی‌کنند. بدون

اسراف هم می‌توان زندگی سالم و درستی داشت؛ به شرط آنکه ساده زیستن را بر هر چیزی ترجیح دهیم؛ همچنان‌که امام(ره) نمونه بارز و مجسم آن در تمام طول زندگی پرپراب خویش بود.

حساسیت‌های امام به اسراف نیز از دیگر جنبه‌های وجودی ایشان نسبت به برهیز از رفاه بود؛ زیرا اسراف یکی از روش‌های ضد اخلاقی است که مخالف قناعت می‌باشد. حضرت امام در این مورد متوجه می‌شویم بسیاری از چیزهایی را که مصرف می‌کنیم و یا به داشتن آنها تمایل داریم، غیرضروری هستند و نبود آنها هیچ مشکلی را در زندگی ایجاد نمی‌کند. بدون اسراف هم می‌توان زندگی سالم و درستی داشت؛ به شرط آنکه ساده زیستن را بر هر چیزی ترجیح دهیم؛ همچنان‌که امام(ره) نمونه بارز و مجسم آن در تمام طول زندگی پرپراب خویش بود.

حساسیت‌های امام به اسراف نیز از دیگر جنبه‌های وجودی ایشان نسبت به برهیز از رفاه بود؛ زیرا اسراف یکی از روش‌های ضد اخلاقی است که مخالف قناعت می‌باشد.

در سیره امام خمینی (ره)

و جبهه حکمت‌اندیش

دفعه یک مشتت آب را بر می‌داشت و مواظب بود که زیاد مصرف نکند.روزی در حیاط مشغول آب پاشیدن به درخت‌ها بودم. حضرت امام در حال عبور از حیاط نبود، تا مرا دید فرمود: «این آب خوردن نباشد که این‌گونه می‌پاشی.» عرض کردم: افاجان، این آب چاه است. فرمود: «آب چاهی است که فقط برای آب دادن به گل و گیاه حفر شده است» و دیگر حرفی نزد.

روز دیگر که تشریف آورد، من آب می‌پاشیدم؛ فرمود: «همین آب چاه را هم زیاد مصرف می‌کنی»^(۱). روزی یکی از اعضای خانواده امام سببی را که نصف آن خراب شده بود، داخل سطل

خدمتکار امام می‌گوید: حضرت امام در طول شبانه‌روز هر چند ساعت یکبار قرص می‌خورد. ما لیوان را پر از آب می‌کردیم و به ایشان می‌دادیم تا قرصش را میل کند. ایشان آن را با مقداری از آب لیوان می‌خورد و باقیمانده آب را دور نمی‌ریخت؛ بلکه کاغذی روی آن می‌گذاشت تا گرد و غبار به داخل لیوان وارد نشود و دقایق و ساعاتی بعد که می‌خواست قرص بخورد، آب همان لیوان را مصرف می‌کرد و مواظب بود که آن را دور نمی‌ریخت؛ بلکه کاغذی روی آن می‌گذاشت تا گرد و غبار به داخل لیوان وارد نشود و دقایق و ساعاتی بعد که می‌خواست قرص بخورد، آب همان لیوان را می‌خورد. امام در این مورد متوجه می‌شویم بسیاری از چیزهایی را که مصرف می‌کنیم و یا به داشتن آنها تمایل داریم، غیرضروری هستند و نبود آنها هیچ مشکلی را در زندگی ایجاد نمی‌کند. بدون اسراف هم می‌توان زندگی سالم و درستی داشت؛ به شرط آنکه ساده زیستن را بر هر چیزی ترجیح دهیم؛ همچنان‌که امام(ره) نمونه بارز و مجسم آن در تمام طول زندگی پرپراب خویش بود.

یکی از باران اسام می‌گوید: «بهارا دیدم که مغلوبه‌ام از اتاقشان به طرف اندرون رفت، ولی چند لحظه بعد از میان راه برگشته، لامپ مهتابی را خاموش کرد و دوباره به طرف اندرونی رفت. با آنکه در آن دوره معمولاً بیش از چند دقیقه در اندرونی نمی‌ماند و دوباره به همین اتاق بر می‌گشت».^(۲)

عیسی جعفری، خادم اسام می‌گوید: در حیاطی که حضرت امام زندگی می‌کرد، لامپی بود که صبح‌ها باید این لامپ را خاموش می‌کردیم. یک بار حضرت امام تذکر داد، ما یادمان رفت آن را بموقع خاموش کنیم. روز سوم که شد، امام ناراحت شد و گفت: «خانه من و گناه؟ چرا این لامپ را خاموش نمی‌کنید؟ الان که هوا روشن

زباله انداخته بود. حضرت امام آن صحنه را دیده و به اصطلاح به آن فرد تغییر کرده بود که چرا این نعمت خدا را می‌گذارید خراب شود؟ چرا همه آن را مصرف نمی‌کنید»^(۳). آقای دکتر منافی پدرش را برای اصلاح ندان‌های حضرت امام می‌آورد. خود دکتر فرزندی داشت که او را هم با خود می‌آورد. روزی آن پسر دست‌هایش را شست و از داخل جعبه دستمال کاغذی یک دستمال بیرون کشید و دست‌هایش را خشک کرد. در همان حین دوباره به سمت جعبه دستمال کاغذی دست برد تا دستمال دیگری بردارد. حضرت امام خشک را گرفت و فرمود: «همان یک دستمال برای دستش کردن دست و صورت کافی است». امام تا حد حساس

بود و ملاحظه کسی را در این مورد نمی‌کرد».^(۴) خوراک حضرت امام در وعده شام، غذای حاضری بود؛ دو یا سه لقمه نان و پنیر، یا دو سه انگور یا دو سه لقمه نان و پنیر یا دو سه قاچ خربزه بود. ما چون می‌دانستیم شام حضرت امام همین غناست، برای موقعی که مواد غذایی گران می‌شد و یا گیر نمی‌آمد، ذخیره می‌کردیم؛ زیرا اگر مواد غذایی گران می‌خریدیم، ایشان میل

اسلام جهاد با شمشیر را هم دارد اما شمشیر در برابر حکومت‌ها و حاکمان ستمگری بوده که به عنوان مانع گسترش اسلام و جلوگیری از دست‌یابی توده مردم به آموزه‌های نورانی آن عمل می‌کرده‌اند، نه اقتشار مستضعف و محروم مردم که همواره به دنبال عدالت، مساوات، برابری و برادری موجود در اسلام هستند.

به بهای او و اشک و خون، خربدار و جان‌نثار و مشتاق آن بودند و عطش آن را قرن‌ها در خود احساس می‌کردند».^(۱)

جهاد، برای بر طرف کردن موانع

نه اجبار به پذیرش اسلام

آری در کنار این دو عامل، اسلام جهاد با شمشیر را هم دارد.اما شمشیر در برابر حکومت‌ها و حاکمان ستمگری بوده که به‌سه عنوان مانع گسترش اسلام و جلوگیری از دستیابی توده مردم به آموزه‌های نورانی آن عمل می‌کرده‌اند، نه اقتشار مستضعف و محروم مردم که همواره به دنبال عدالت، مساوات، برابری و برادری موجود در اسلام هستند.

آنسان که می‌گویند گسترش اسلام در سرزمین ایران با قهر و اجبار و در سایه شمشیر بوده، این‌ها به واقعیت‌ها و اوضاع اجتماعی و فتوحات آن، به ایرانیان و اسلام آوردن آنان در واقع توهین می‌کنند.

به قول استاد مطهری:

۱- پیش، عبدالحمین، مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام، ص ۱۲۰.
۲- مجموع آثار استاد شهید مطهری (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ج ۱۴، ص ۹۵.
۳- قربانی، زین‌العابدین، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۱۲۸.
۴- مجموعه آثار استاد شهید مطهری (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

صفحه ۷
شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲
۸ رجب ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۴۹۹



چراغ راه

ضرورت جهاد علمی برای هر خردمند
قال‌التبی(ص): «**رابعه تلام کل ذی حجی و عقل من امتی، قیل: یا رسول‌الله، ما هن؟ قال: استماع العلم، و حفظه و نشره، و العمل به**»

پیامبراکرم(ص) فرمود: چهار چیز بر هر عاقل و خردمندی از امت اصلا خدایی را واجب نگشته شد؛ ا: چهار چیز خدای! آن چهار چیز کدامند؟ فرمودند: ۱- گوش فرادان به علم و دانش ۲- نگهداری و حفظ آن ۳- نشر و ترویج آن ۴- عمل به علم.^(۱)

۱- تحف‌المقول، ص ۵۷



رؤیت خدا با چشم دل

شخصی از علی(ع) پرسید: آیا خدا را دیده‌ای؟ حضرت فرمود: من اصلا خدایی را ندیده باشم عبادت نکرده‌ام! (بعد برای دفع توهم او که منظور دیدن خدا با چشم سر نیست) فرمود: لاتراه العیون بمشاهده العیان و لکن تترکه القلوب بحقائق الایمان» با چشم سر او را ندیدم، ولی با چشم دل او را دیدم‌ام و شهودش کرده‌ام».

امام حسین(ع) هم این مضمون را در دعای عرفه می‌فرماید: آیا غیر تو ظهوری دارد که تو نداری؟

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۱۷۷



پرستش و پاسخ

تزکیه نفس و قلمرو کارایی آن
پرشت:
از منظر آموزه‌های وحیانی آیا تزکیه نفس انسان تنها راه کشف حقیقت و رسیدن به معرفت پروردگار است و به طور کلی قلمرو کارایی آن در چه حدی است؟
پاسخ:

اهمیت تزکیه نفس

در آموزه‌های وحیانی قرآن کریم بر مسئله تزکیه نفس تاکید فراوانی شده به گونه‌ای که اگر کسی نفس خود را تزکیه نکند، بدبخت و سرافکنده خواهد شد. در قرآن در سوره شمس آیات ۹ و ۱۰ بعد هفت قسم متوالی خدای متعال می‌فرماید: «فانقل من زکیها و قد خاب من دسپها» و سرکاری از آن کسانی است که تزکیه نفس کرده‌اند و بدبخت آن کسانی هستند که نفس و روح و باطن خود را فاسد و تباه کرده‌اند. در اینکه قرآن بر مسئله تزکیه نفس تاکید و سفارش فراوانی نموده تردیدی نیست. اما این تزکیه نفس راهی به سوی معرفت حق است. راه معرفت فقط دلیل و برهان و استدلال یعنی همان راه حکما و فلاسفه است؟

معرفت افاضی

الف) نگاه قرآن

از منظر قرآن کریم خدای متعال می‌فرماید: اگر تقوای الهی را پیشه خود سازید، خدایند به شما معیار تمیز حق و باطل را عطا کرده و علم افاضی را می‌آموزد.

۱- «ان تقوالله یجعل لکم فرقاً»؛ اگر تقوای الهی داشته باشید، خدایند برای شما معیار تمیز و تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد.(تغلق- ۲۹)
۲- «اتقوالله و بعلمکم الله» تقوای الهی داشته باشید و خدایند به شما تعلیم می‌دهد. (بقره- ۲۸۲)
محققان و مفسران قرآنی بر این باورند که این آیات نشانگر تاثیر عمیق تقوا بر دانش انسان بوده و فرد متقی مورد موهبت علم افاضی الهی قرار می‌گیرد.

ب) نگاه روایات

در روایات پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) نیز به این مطلب تصریح شده است: پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: با هوا و هوس‌های نفسانی خود مبارزه کنید تا حکمت در دل شما وارد شود.(مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۲)
آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: هر کس چهل شبانه‌روز خود را خالص برای خدا قرار دهد، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زناش جاری می‌شود.(عیون اخبارالرضاع)، ج ۲، ص ۶۹)

همچنین در روایتی دیگر پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر نبود که شیاطین در اطراف دل‌های فرزندان آدم حرکت کنند، آنها ملکوت آسمان‌ها را مشاهده می‌کردند(مجاهلیض، ج ۲، ص ۱۲۵)

و بالاخره دیدن و شنیدن آنچه را که پیامبر اکرم(ص) می‌دید و می‌شنید که فرمودند: اگر نبود برحرفی‌ها و حرف‌های اضافی شما و اگر دل‌های چراگاه، راه فکر نداشتی نبود، هر آینه آنچه را که من می‌بینم می‌دیدید و آنچه را که من می‌شنیدم می‌شنیدید. (المیزان، ج ۵، ص ۲۷۶)
در نهج‌البلاغه نیز می‌فرماید: «ای عزیز، ج ۵، ص ۲۷۶)
۱۰- برای اولین‌بار که وحی نازل شد شنیدم. به پیامبر(ص) عرض کردم: ای رسول خدا! این صای‌ناله چیست؟ پیامبر(ص) فرمود: بله آنچه را که من می‌شنوم، تو می‌شنوی و آنچه را که من می‌بینم تو می‌بینی، ولی در عین حال تو بشنوی نسبت به بارانین تزکیه نفس، اخلاص، دور کردن و مبارزه با هوا و هوس، نه تنها اثرش این است که قلب انسان صاف و الهی می‌شود، بلکه اثر بالاتر و پیشتری دارد و آن این است که علم و حکمت از ذرون قلب انسان بر زناش می‌خوشد.

انصاری نوبند روش تزکیه نفس در کشف حقائق

هرچند انسان‌ها براساس آموزه‌های وحیانی قرآن و روایات می‌توانند با روش تزکیه نفس و برهیز از هواهای نفسانی و اخلاص حقایق عالم هستی و تکوین را کشف کرده و مشمول علم موهبتی و افاضی الهی نیز قرار گیرند، اما در منطق جامع اسلام، در عین اینکه این روش عرفا و تهذیب نفس را برای کشف حقایق می‌پذیرد، اما هرگز حاضر نیست عقل را که حجت باطنی انسان است تحقیر کند، بلکه برای عقل و فکر و استدلال و نقل نهایت تاکید و احترام را اقل است. زیرا بسیاری از علوم انسانی و حصولی جز از طریق عقل و برهان و استدلال قابل کشف و دستیابی نیست. لذا در دوره تحاریرن گروهی پیدا شدند که راه عقل و دل را با سایر یکدیگر جمع کردند و از کارایی هر دو منبع وجودی انسان بهره بردند. شیخ شهاب‌الدین سهروردی و صدراالمطالین شیزاری راهشان این‌گونه بود. بنابراین ساحت علم و عقل و استدلال را براهین عقلی که در سیره عرفا تحقیر می‌شود مرفا نباید اسلام نیست و انسان کامل قرآن، انسانی است که در کنار تزکیه نفس، به کمالات عقلی هم دسترسی پیدا کرده باشد.



سولوا قلوبنا

عوارض تحریک غریزه جنسی

تحریک و تهییج بی‌حساب غریزه جنسی عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ‌های زودرس و پیری و فرسودگی نیز دارد.اما اینکه می‌گویند:انسان حریص علی ما منیع» مطلب صحیحی است ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن منموج شود و هم به وسیله آن تحریک غریزه جنسی به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کند و آنگاه او را ممنوع سازند.اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کمتر خواهد بود.^(۱)

۱- مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۱۰-۱۰۹

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir